

ضرب المثل‌های اشتباهی هر کس باید گلیم خودش را از آب بیرون بکشد

محمد احمدی فیروز جایی

با این ضرب المثل چه می‌شود

اما اگر این ضرب المثل (با لحن دوم) تبدیل به یک قانون شود چه می‌شود؟ یعنی همه دنبال این باشند که تنها گلیم خودش را از آب بیرون بکشند؟ تصور هزاران مشکلی که برای جامعه ما پدید می‌آید، چندان سخت نیست، چرا؟ برای این که مثلاً تاجرش می‌گوید خرج و مخارج من بالاست و باید روی اجناسم سود بیشتری بکشم. پزشکش می‌گوید من هم باید پول بیشتری از ویزیت بگیرم تا چرخ زندگی‌ام بهتر بچرخد. قصابش هم می‌گوید مهم، سود است و گوشت بی کیفیت دادن به دست مردم اگر درآمد بهتری داشته باشد اشکالی ندارد و...، این طوری رفته رفته هر کس فقط خودش برای خودش مهم می‌شود و همه کار می‌کند که حال خودش بهتر شود، اما این شکلی رفته رفته یک وضعیت آشفته جنگلی بر چنین جامعه‌ای حاکم می‌شود و قانونی نخواهد بود الا «قانون جنگل»! قانون جنگل هم یعنی قانون زورگویان؛ یعنی هر

کس که زورش بیشتر است به بقیه زور بگوید و کسی که قدرتی ندارد زور بشنود و مورد ظلم قرار بگیرد و اعتراض نکند!



لحن اول، این حرف به این معناست که هر کس باید ظرف خودش را بشوید و نباید از شستن ظرف خودش شانه خالی کند، اما طبق لحن دوم یعنی هر کس باید ظرف خودش را بشوید و کسی نباید ظرف دیگری را بشوید!

یک بحث اساسی

حالا اجازه بدهید کمی ریشه‌ای درباره این ضرب المثل بحث کنیم. چرا انسان‌ها کنار هم جمع می‌شوند؟ چرا تنها زندگی نمی‌کنند؟ حتماً جواب شما هم این است که چون به همدیگر نیاز دارند. انسان‌های قدیم به همدیگر نیاز داشتند تا در برابر حوادث و حمله‌ها و... بایستند و انسان‌های امروزی به همدیگر نیاز دارند چون نمی‌توانند خودشان همه احتیاج‌هایشان را برآورده کنند. در یک جامعه، همان قدر که به مهندس رایانه نیاز داریم به کارگر ساده هم محتاج هستیم و همان قدر که به معلم نیازمندیم، به میوه‌فروش هم محتاجیم و...؛ این معنای همان شعر معروف سعدی است که:

بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند

پس لازمه یک جامعه مطلوب این است که همه هوای هم را داشته باشند و حواسشان باشد که واقعاً به همدیگر نیاز دارند.

صحبت از ضرب المثل‌هایی بود که با فرهنگ ایرانی و اسلامی ما چندان سازگار نیستند. حالا نوبت رسیده به ضرب المثل معروف دیگری که حتماً زیاد شنیده‌اید «هر کس باید گلیم خودش را از آب بیرون بکشد»!

دو لحن و دو معنا

درستی و نادرستی این ضرب المثل بسته به این است که شما آن را چگونه بخوانید و به قول معروف روی کدام کلمه تأکید کنید. مثلاً ممکن است تأکید بیشتر روی کلمه «هر کس» باشد. آن وقت، معنای ضرب المثل این می‌شود که «هر کس باید گلیم خودش را از آب بکشد؛ یعنی نباید منتظر بقیه بماند تا آن‌ها کاری کنند. باید خودش برای حل کردن مشکلتش تلاش کند و...».

همین طور هم می‌شود تأکید اصلی را روی کلمه «خودش» قرار داد. معنا هم این طور می‌شود که «هر کس باید به فکر خودش باشد. جان خودش را به در ببرد و مال خودش را حفظ کند!» معلوم است که اگر ضرب المثل را با لحن اول بخوانیم، حرف نادرستی نیست، اما در لحن دوم، ماجرا خیلی فرق می‌کند. این ضرب المثل مثل این است که مادر آدم بگوید «هر کس باید ظرف غذای خودش را بشوید.» طبق

۵۲

ویژه فوجیان
۱۶۴
چهار
آشنا

از این هم بالاتر

تا این جای کار بحث درباره روابط عادی و معمولی بین انسان‌ها بود اما روابط انسان‌ها با هم، فقط مربوط به روابط کاری و رسمی نیست؛ مثلاً کارهایی مثل اختراع کردن و یا کمک کردن و دستگیری از فقرا در قالب رسمی قرار نمی‌گیرند. اگر کسی فقط به فکر خودش بود دیگر کسی سراغ اختراع کردن برای بهتر شدن زندگی بقیه مردم نمی‌رفت، چون با خودش فکر می‌کرد چرا این همه وقت صرف کند تا چیزی را اختراع کند. به جایش کار دیگری را انجام می‌دهد که بی‌زحمت و در مدت کوتاه کلی سود ببرد یا اگر اختراعی داشت آن را برای خودش نگه می‌داشت تا فقط خودش از آن لذت ببرد و سود بگیرد. استدلال این‌طور آدمی درباره یک آدم فقیر هم این است که نیازی نیست به او کمک کنیم و این کار، مثل دور ریختن پول است! او خودش باید گلیمش را بیرون بکشد! در نهایت خیلی هم بخواهد به فکر دیگران باشد، فقط به فکر زن و بچه‌اش است و این که ثروتی برای آن‌ها به ارث بگذارد و بس.

از طرف دیگر آیا این انسان‌ها درباره خودش هم همین رفتار را قبول دارند؟ آیا دوست دارند که وقتی آنان هم درمانده شده‌اند دیگران به آن‌ها بی‌توجهی کنند و فقط به فکر خودش باشند؟

نمونه‌های تاریخی

در طول تاریخ آدم‌های بسیاری آمدند و رفتند اما فقط نام برخی‌ها به یادگار ماند؛ گروهی به نیکی و برخی‌ها به زشتی و پلیدی. اگر دقیق‌تر به این دو دسته نگاه کنیم می‌بینیم کسانی که به نجات خودش انکفا نکردند و با خودش دیگران را هم

نجات دادند و یا حتی از آن هم بالاتر دیگران را بر خودشان ترجیح دادند، همیشه تحسین و ستایش خدا و مردم را با خود داشتند، اما آن‌هایی که فقط به فکر منافع خودش بودند و بدتر این که دیگران را فدای منافعشان کردند، در تاریخ فقط یک نام زشت به یادگار گذاشتند. به نظر شما شهادتی که در میدان جنگ مردانه ایستادند و مقاومت کردند و برای دین و میهنشان شهید شدند، بیشتر نامشان به نیکی برده می‌شود یا آن‌هایی که فقط برای خودش ثروت اندوختند؟

قارون، یک مثال روشن است برای کسانی که هنوز اعتقاد دارند باید فقط گلیم خودش را از آب بکشند. قارون از ثروتمندان هم‌دوره حضرت موسی (ع) و پسرعموی ایشان بود. داستان قارون و ثروتش در قرآن آمده است. او آن قدر مال داشته که چند تا آدم خیلی قوی فقط باید صندوق‌های پولش را حمل می‌کردند، اما این جناب قارون با این همه ثروت، حاضر نشد که به نیازمندان زکات پرداخت کند چون او هم فکر می‌کرد آدم فقط باید به خودش برسد! نتیجه نگاه و تفکر قارون این شد که با نفرین حضرت موسی (ع) خودش و همه اموالش در زمین فرو رفتند.

در مقابل، چهره دیگری هم هست که همه اموالش را برای کمک به محرومان و ترویج دین اسلام داد؛ حضرت خدیجه (ع) زن بسیار ثروتمندی بود که

از همه دارایی‌هایش برای خدا و دین الهی گذشت. او حتی در اوج فقر مادی از دنیا رفت، اما نامش و راهش برای همیشه در میان همه مسلمانان و انسان‌های آزاده باقی خواهد ماند. ●

